

توصیه‌های لازم حقوقی برای دگرباشان جنسی در ایران



بهنام دارایی‌زاده

اشاره:

در این یادداشت، تلاش شده است تا با بالابردن آگاهی‌های حقوقی جامعه‌ی کوئیر ایران، امکان دفاع مطلوب از حقوق قانونی دگرباشان جنسی، تا آن اندازه‌ای که در جمهوری اسلامی می‌شود؛ فراهم گردد.

واقعیت امر این است که در چهارچوب همین رژیم حقوقی-کیفری حاکم هم ظرفیت‌ها وجود دارد که می‌توان در مواجهه‌های حقوقی یا به هنگام دست‌گیری‌ها و... به کار گرفت.

«آموزش آگاهی‌های حقوقی» بخش برجسته و مهمی از «آموزش‌های حقوق بشری» است. آموزش‌هایی که هدفش، بالابردن استاندارد زندگی افراد و در نهایت، تربیت شهروندانی است که خود را مُحق می‌دانند، از اعتماد به نفس کافی در برابر نهاد قدرت برخوردارند و با مسئولیت‌های فردی خود در قالب یک ساختار سیاسی بسته آشناوند.

این آگاهی‌ها، حتا اگر به طور عملی هم به کار نیاید- دست‌کم این فرصت را فراهم می‌کنند که قربانیان نقض حقوق بشر، در هنگام مواجهه با پلیس، ماموران دولتی، بازجوها یا کارگزاران قضایی، از اعتماد به نفس بیشتری برخوردار باشند، کمتر زیر فشارهای روانی قرار گیرند؛ تا حتی‌الامکان بتوانند موضوع را به گونه‌ای به سود خود تمام کنند. نشان دادن این

آگاهی‌ها، این پیام ضمنی به نماینده حکومت و مسئول پرونده‌های قضایی می‌دهد: متهم فردی مطلع است؛ از حقوق خود آگاه است و امکان این که هر برخوردی با او بشود وجود ندارد.

نگاهی گذرا به رژیم حقوقی-کیفری ایران

در این بند سعی می‌شود تا خیلی کوتاه و گذرا نگاهی شود به «کلیت رژیم حقوقی در ایران»؛ واقعیت این است که رژیم حقوقی ایران، نه تنها بعد از انقلاب ۵۷ و تثبیت قدرت نظام جمهوری اسلامی، بل که خیلی قبل‌تر از آن به طور مشخصی تحت تاثیر آموزه‌ها یا موازین فقه شیعه بوده است؛ «نظام خانواده در ایران» و مناسبات جنسی برآمده از آن، تاملن ماهیتی «شرعی-فقهی» دارند و بن‌مایه‌ی حقوقی آن‌ها هم برساخته‌ی همان «قانون مدنی» است که از دوره‌ی پهلوی اول در حال اجرا است و اصول و موازین فقهی-شرعی وفادار است.



هرچند «رژیم کیفری» پیش از انقلاب¹ به اندازه‌ی قوانین «مدنی»، با موازین فقهی شیعه آمیخته نبوده است؛ اما به این معنا هم نیست که تا پیش از انقلاب، ما با یک رژیم کیفری کاملن مترقی و سکولار طرف بوده‌ایم.

برای نمونه، در همین بحث حقوق همجنس‌گرایان، بر پایه‌ی با ماده‌ی ۲۰۷ اصلاحی سال ۱۳۱۰ کمیسیون عدلیه، مجازات رابطه‌ی جنسی میان دو مرد، می‌توانست تا «۱۰ سال حبس با اعمال شاقه» باشد.

جالب این است که قانون‌گذار پهلوی نیز درست به مانند قانون‌گذاری جمهوری اسلامی، برای تعریف و اشاره به این رفتار جنسی از همان اصطلاح فقهی رایج «لواط» استفاده کرده است. به هر روی، این قانون برای بیش از ۸۰ سال پیش است

¹ منظور از «رژیم کیفری»، آن مجموعه اصول و قوانینی است که مشخصن به تعریف «جرم و مجازات» پرداخته‌اند.

و اکنون دهها است که وضع ما در حوزه حقوق دگرباشان جنسی به مراتب وخیمتر از آن شرایط قانونی پهلوی اول است.

اگر تا پیش از انقلاب، روابط جنسی میان زنان «جرمانگاری» نشده بود؛ پس از تصویب و اجرای «قانون مجازات اسلامی» در ۱۳۶۱ این روابط هم زیر عنوان فقهی «مُساحقه» جرم تلقی شدند و برای آن حد شرعی در نظر گرفتند. حدی که در مرتبه چهار (البته تا قبل از تصویب این قانون جدید مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۱) می‌توانست به اعدام لژیون‌ها در ایران بیانجامد. (ماده ۱۳۱ قانون پیشین مجازات اسلامی)

ب- قانون جدید مجازات اسلامی ایران، تازه اجرا شده است. (خرداد ۱۳۹۲) این قانون در حوزه مسائل دگرباشان جنسی، نکته‌های قابل توجه‌ای دارد که باید از آن آگاه بود.

بر پایه‌ی این قانون تازه، تغییراتی در رژیم کیفری-جزایی مرتبط با همجنس‌گرایان در ایران ایجاد شده است که هرچند موضوع اصلی این یادداشت نیست؛ اما در اینجا لازم است که به آن‌ها اشاره کنیم.

نخست این که بر پایه‌ی این قانون جدید، «فاعل» رابطه‌ی جنسی میان دو مرد، چنان چه همسر دائمی نداشته باشد (به اصطلاح فاقد شرایط «احسان» باشد) و رابطه‌ای هم که داشته به عُنف یا به زود نبوده؛ اعدام نخواهد شد. با این حال، «حکم اعدام مفعول» کماکان برقرار است. به این معنا که فردی که «مفعول» می‌خوانند؛ حتا در همان مرتبه، مستحق مجازات مرگ است.

در ماده‌ی ۲۳۳ قانون جدید و تبصره‌های آن چنین آمده است: «حد لواط برای فاعل، در صورت عُنف، اکراه یا دارا بودن شرایط احسان، اعدام و در غیر این صورت، صد ضربه شلاق است. حد لواط برای مفعول در هر صورت اعدام است.»
تبصره ۱- در صورتی که فاعل غیرمسلمان و مفعول، مسلمان باشد، حد فاعل اعدام است.

تبصره ۲- احسان عبارت است از آن که مرد دارای همسر دائمی و بالغ باشد و در حالی که بالغ و عاقل بوده از طریق قُبُل با همان همسر در حال بلوغ وی جماع کرده باشد و هر وقت بخواهد، امکان جماع از همان طریق را با وی داشته باشد.

دومین تغییر مهم در قانون جدید مجازات اسلامی، در رابطه با لژیون‌های ایرانی است؛ هرچند در قانون جدید هم کماکان رابطه‌ی جنسی میان دو زن، «جرم» تلقی شده است و برای آن «مجازات تعزیری» در نظر گرفته‌اند؛ اما در این قانون، نسبت به قانون پیشین، تغییری ایجاد شده است که شرایط را به مراتب از آن چیزی که تا کنون بوده قابل تحمل‌تر می‌کند؛ در یک کلام، دیگر زنان لژیون در ایران با خطر اعدام مواجه نخواهند بود.

بر پایه‌ی ماده‌ی ۳۰-۲۲۱ قانون جدید: «هر گاه دو یا چند زن از روی شهوت و بدون ضرورت به صورت برهنه زیر یک پوشش قرار گیرند، به مجازات تعزیری به تناسب جرم و شخص مجرم تا ۹۹ ضربه شلاق محکوم می‌شوند و در صورت تکرار تعزیر، در مرتبه سوم و بالاتر به یک صد ضربه شلاق به عنوان حد محکوم خواهند شد.»



اصول و توصیه‌های حقوقی به دگرباشان جنسی ایران

این یادداشت بنا ندارد که از حقوق طبیعی یا انسانی دگرباشان جنسی بگوید. فرضاً قرار نیست که به اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی یا سایر اسناد حقوق بین‌الملل اشاره کنیم. هرچند آگاهی از این مسائل به خودی خود، سودمند است و حتمن به کار می‌آید؛ اما موضوع محوری این یادداشت نیست. (برای مطالعه‌ی یادداشتی با این مضامین، می‌توانید به [اینجا](#) مراجعه کنید)

لذا در ادامه‌ی این یادداشت، تنها به اصول و مواردی اشاره خواهد شد که یک قربانیِ نقضِ حقوق جنسی در ایران- در چهارچوب همین قوانین کنونی جمهوری اسلامی- با آگاهی و به کار بستن آن‌ها، می‌تواند موقعیت خود را تا اندازه‌ای که امکانش هست؛ به سود خود تغییر دهد.

چند توصیه‌ی ابتدایی

اول از همه توصیه می‌شود قبل از آن که اتفاقی برای شما بیافتد؛ فرض در مهمانی، خیابان، کافی‌شاپ‌ها، لب مرز و...؛ دست‌گیر و گرفتار شوید، حتمن با یک وکیل معتمد دادگستری تماس بگیرید و از او بخواهید تا وکالت‌نامه‌ای با شما امضا کند.

مهم نیست که این وکیل در شهر شما فعال است یا نه؛ اگر وکیلی در تهران یا جایی دیگری هم سراغ دارد؛ حتمن پیش او بروید و وکالت‌نامه امضا کنید. لازم نیست که بگویید مسئله و نگرانی اصلی شما چیست. می‌توانید خود را فعال مدنی، فعال دانشجویی و... معرفی کنید. مهم امضای وکالت‌نامه است. این وکالت‌نامه پیش وکیل شما باقی خواهد ماند و اگر اتفاقی برای شما بیافتد، او می‌تواند خارج از زندان، پی‌گیر کارهای حقوقی و اتهام‌های شما باشد. اگر امکانش هست؛ خوب است که با چند وکیل، وکالت‌نامه‌های جداگانه امضا کنید. از وکیل خود بخواهید که وکالت‌نامه را با «حق توکیل به غیر» امضا کند تا امکان انتقال وکالت از او به وکیل دیگری نیز مقدور باشد.

ارتباط با فعالان حقوق جنسی و فعالان حقوق بشری در خارج از کشور هم لازم است. خوب است که با رعایت ملاحظات امنیتی، چنین پیش‌بینی‌ها و تدابیری را انجام دهید. به ویژه اگر شما با شبکه‌ها یا محافل همجنس‌گرایان در ایران در تماس هستید؛ یا جدا از گرایش جنسی خود، فعالیت سیاسی-دانش‌جویی و.. هم دارید.

ممکن است شما وکیل هم داشته باشید؛ اما واقعیت امر این است که «وکیل دادگستری» در بازجویی‌ها و به هنگام دست‌گیری همراه شما نیست. بنابراین لازم است که اطلاعات حقوقی خود را حتی‌الامکان تقویت و تکمیل کنید تا هنگامی که احیاناً بازداشت شدید؛ بتوانید از این اطلاعات استفاده کنید. برخی از اصول و مواردی که در ادامه با شما در میان گذاشته می‌شود با همین هدف تنظیم شده است.

توجه به اصل قانونی بودن جرم و مجازات‌ها

یکی از اصول محوری حقوقی که در نظام کیفری ایران نیز به رسمیت شناخته شده است؛ «اصل قانونی بودن جرم و مجازات‌ها» است؛ بر اساس این اصل، هیچ‌کس را نمی‌توان احضار، دست‌گیر یا محاکمه کرد؛ مگر آن که رفتار و اقدامی که به او نسبت داده‌اند، برابر قانون «جرم» باشد و برای آن «مجازات» تعریف شده باشد.

روابط همجنس‌گرایانه در ایران - چه میان مردان و چه زنان- جرم است؛ اما فرضاً «مبدل‌پوشی» یا پوششی که مغایر عرف‌های معمول لباس‌های مردانه و زنانه است، جرم نیست. کوتاه سخن آن که از پذیرش چنین اتهام‌های مشابه یا کلی و مبهم باید سر باز زد. خوب است که یک نسخه از قانون مجازات اسلامی را تهیه کنید تا بدانید که اساساً بدانید چه

کارها یا رفتارهایی جرم است و چه کارهایی به رغم آن که ممکن است در عُرف پذیرفته نشود؛ «جرم» نیست و نمی‌شود فردی به این خاطر دستگیر یا محاکمه کرد.

اصل برائت، حق سکوت و تفهیم اتهام

«اصل برائت» هم در رژیم کیفری ایران پذیرفته شده است. بر اساس این اصل، همه افراد بی‌گناه‌اند مگر آن که اتهام آن‌ها در دادگاه و مرجعی صالح (و نه در هر مرجع قضایی یا غیرقضایی دیگری) ثابت شود.



به موجب این اصل، «بار اثبات» هر اتهامی، بر عهده‌ی آن نهادی است که اتهام را وارد کرده است. بنابراین جدا از این که شما در برابر پرسش‌هایی که بازجو می‌کنند، «حق سکوت» دارید؛ (ماده ۱۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری) بازجو یا بازپرس باید برابر قانون، موضوع اتهامی را «با ذکر دلیل» شفاف و روشن به شما بگوید.

«تفهیم اتهام» باید کتبی باشد. این کار بایستی ظرف ۲۴ ساعت بعد از دستگیری شما انجام شود. نگهداری افراد بدون آن که تفهیم اتهامی صورت گرفته باشد؛ بازداشت خودسرانه محسوب می‌شود. شما در برابر اتهام که وارد شده است؛ حق دفاع یا همان طور که اشاره شد «حق سکوت» دارید. این را نیز به خاطر داشته باشید که «سکوت» در حقوق و عُرف قضایی، به هیچ عنوان علامت رضا یا تایید مورد اتهامی نیست. بنابراین شما می‌توانید سکوت کنید و این امر در معنای پذیرش اتهام نیست.

نکاتی چند درباره‌ی اقرار

در رژیم فقهی-کیفری ایران، «اقرار متهم» جایگاه خیلی روشنی دارد و به نوعی اصلی‌ترین دلیل و عامل اثبات جرم محسوب می‌شود. نه تنها در جرایم به اصطلاح «حدی»، بل که حتی در جرایم تعزیری نیز کم‌وبیش وضع به همین ترتیب و اقرار متهم خیلی مهم است. بنابراین، توصیه می‌شود که حتی‌الامکان هیچ اقراری انجام نگیرد. این را نیز در خاطر داشته باشید که هر گفته و سخنی، یا هر موضع‌گیری در برابر یکی از ماموران و وابستگان دولت نیز «اقرار» نیست و اعتبار حقوقی لازم را ندارد.

به سخنی دیگر، اقرار وقتی معتبر و قابلیت استناد دارد که همه شرایط لازمش فراهم باشد. از همین روی است که باید این شرایط و محدودیت‌هایش را با دقت شناخت؛ تا بل که بتوان از آن‌ها در موقع لازم بهره برد.

جدا از آن که اقرارکننده، باید عاقل، بالغ و آگاه به کاری باشد که دارد انجام می‌دهد؛ خود «اقرار» نیز صرفن هنگامی معتبر است که در نزد «قاضی» یا در نهایت، در برابر «مقام قضایی» انجام گرفته باشد. در عرف حقوقی هم، «مقام قضایی» همان قاضی دادگاه یا «بازپرس پرونده‌ها در دادسراها» محسوب می‌شود.

بنابراین، باید آگاه بود و دقت کرد که در نزد بازپرس یا در خود دادگاه، که فضا ممکن است اندکی بازتر باشد؛ نه تنها نباید به چیز اقرار کرد؛ بل که اگر پیش‌تر نیز، در دوران دست‌گیری یا بازجویی‌ها، اقراری هم صورت گرفته باشد؛ آن اقرارها، هم حتی‌الامکان، بایستی انکار شود.

باید دانست و به دیگران هم آگاهی داد که ماموران نیروی انتظامی، سپاه یا بسیج و... «مقام قضایی» نیستند؛ بنابراین اقراری که در پیش این ماموران صورت می‌گیرد؛ فاقد هرگونه وجهت حقوقی است و دادگاه‌ها هم نباید به آن‌ها ترتیب‌اثر دهند. مگر این که در دادگاه نیز فرد همان گفته‌های قبلی خود و اعتراف‌هایی که داشته است را تایید کند.

از سویی دیگر، برابر قوانین کیفری ایران، تحقیق و بازجویی در جرایمی که به اصطلاح «منافی عفت» قلمداد می‌شود؛ از جمله همین جرایم همجنس‌گرایان، ممنوع است. (ماده ۴۳ قانون آیین دادرسی کیفری، ۱۳۷۸)

البته روشن است که همه‌ی این سخن‌ها به این معنا نیست که در بازجویی‌ها و سؤال و جواب‌هایی که می‌شود، هر چه که خواستند بنویسیم و امید داشته باشیم که در دادگاه به این موارد توجه نمی‌کنند.

لازم است اشاره شود که «علم قاضی»، کماکان خطری جدی در رژیم کیفری ایران است. باید موضوع به گونه‌ای پیش برود که قاضی به راحتی نتواند در حکمش به گفته‌ها و صورت‌جلسه‌های دوران دست‌گیری و بازجویی‌ها اشاره و استناد کند.

خلاصه این که: «سیاست انکار» باید در تمامی مراحل، تا جایی که امکانش هست، به کار گرفته شود. حتماً اگر گزارش پزشکی قانونی نیز وجود داشته باشد، باز باید بر روی انکار و نپذیرفتن اتهام اصرار کرد. (در مورد اعتبار گزارش‌های پزشکی قانونی، در بند جداگانه‌ای توضیح خواهیم داد.)

نکته‌ی مهم دیگری هم در میان است: «اقرار یعنی پذیرش اتهام وارده علیه خود!» بنابراین، دادگاه یا هر مرجع قضایی و غیرقضایی دیگری نمی‌تواند اظهارات و اقرارهای فرد دیگری را علیه شما به کار بندد. فرضاً، دادگاه نمی‌تواند بگوید که طرف شما به رابطه با شما اقرار کرده است و شما نیز ناچار هستید تا اتهام را بپذیرید و دیگر کار تمام شده است و... اگر چنین تمهیداتی علیه شما به کار بستند؛ مطمئن باشید که تنها برای مرعوب کردن شما و اعمال فشار روانی مضاعف است. لازم است که شما یا وکیلان بی‌درنگ به چنین مواردی اعتراض کنید.

هیچ متنی را تا هنگامی که به طور دقیق خوانده‌اید امضا نکنید؛ در پایان جلسه‌های دادگاه، از شما خواسته می‌شود که صورت جلسه‌های دادگاه را امضا کنید. این متن‌ها معمولاً توسط منشی‌ها یا یکی دیگر از عوامل دفتر دادگاه تنظیم می‌شوند؛ به ده‌ها دلیل ممکن است این متن‌ها آشفته باشد یا حاوی مطالبی باشد که به واقع شما آن‌ها را در جلسه نگفته‌اید یا منظورتان چیز دیگری بوده است و منشی دادگاه به گونه‌ای دیگر تنظیم کرده است و...

اگر به چنین مواردی برخورد کردید؛ فوراً خودتان یا از طریق وکیلان به آن اعتراض کنید. به این هم اکتفا نکنید که وکیل شما متن‌ها را خوانده است. شما خودتان شخص وقت بگذارید و متن را دقیق بخوانید. سعی کنید زیر فشارهای وارد که از شما خواسته می‌شود صورت جلسه را زودتر امضا کنید قرار نگیرید. فراموش نکنید که این حق شما است و به طور مستقیمی با سرنوشت پرونده‌ی شما گره خورده است. بنابراین صبر و تحمل کنید و بر حقوق قانونی خود پای بگذارید.

آشنایی با یک قاعده فقهی-حقوقی

در فقه اسلامی یک قاعده شناخته شده‌ای هست با نام قاعده‌ی «درء»... خلاصه و مضمون اصلی این قاعده این است که در «حدود شرعی»، یعنی جرایمی که برای آن‌ها «حد» در نظر گرفته‌اند؛ (از جمله همین جرایم جنسی) چنان چه قاضی یا مقام رسیدگی کننده به پرونده، به کوچکترین شبهه‌ای برخورد، «حد» ساقط باید ساقط شود.

به این معنا که قاضی یا دادرس پرونده حتمناً باید برای این که متهم را محکوم کند؛ «یقین کامل» داشته باشد. متهم و وکیل او باید تلاش کنند تا از این قاعده‌ی فقهی استفاده کنند. به این معنی که تلاش کنند تا قاضی به شک بیافتد یا به نوعی در موضوع اتهام ایجاد شود. (فرضاً در اتهام «لواط»، می‌توان در «میزان دخول» شبهه ایجاد کرد تا اساساً انتساب «لواط» به لحاظ شرعی ممکن نباشد)

اعتبار نظریه پزشکی قانونی

یکی از دل‌نگرانی‌های اصلی گی‌ها یا سایر دگرباشان جنسی در ایران، این است که در صورت بازداشت، ممکن است آن‌ها را به معاینه‌ی «پزشکی قانونی» ببرند و از این طریق، رابطه‌هایی که داشته‌اند معلوم شود و دیگر نتوانند انکارش کنند.

اعتبار نظریه‌ی «پزشکی قانونی» چه قدر است؟ آیا می‌توان به آن اعتراض کرد؟ مرجع آن کجاست؟ اساس آن با وجود نظریه‌ی پزشکی قانونی، کماکان می‌توان منکر وجود رابطه شد؟

واقعیت این است که برابر قوانین حاکم، نظریه‌ی پزشکی قانونی، «دلیل قضایی» محسوب نمی‌شود. به این معنا که به صرف ارائه‌ی چنین گزارشی، نمی‌توان فردی را محکوم کرد. نظریه‌ی پزشکی قانونی -همان طور که از نامش هم پیدا است- صرفاً یک «نظریه» است و اعتبار آن هم به مانند سایر «نظریه‌های کارشناسی» است. بنابراین، نه تنها می‌توان به آن در «کمیسیون پزشکی قانونی» اعتراض کرد؛ بل که مانعی برای انکار اصل ماجرا نیست. به سخنی دیگر؛ حتا اگر نظریه‌ی پزشکی قانونی بگوید که رابطه‌ی جنسی فرضاً مقعدی (Anal intercourse) انجام گرفته است؛ باز کماکان توصیه می‌شود که در تمامی مراحل، این امر انکار شود.

چنین رامکاری، شاید در ابتدا کمی دور از ذهن به نظر برسد؛ اما واقعیت امر این است زمانی که پرونده در «دیوان عالی کشور» در حال رسیدگی نهایی است؛ همین که هیچ اقراری در پرونده نیست؛ می‌تواند کارساز و مفید باشد و مانع از تائید نهایی حکم اعدام شود.

* این مقاله پیش‌تر در وبسایت سازمان دگرباشان جنسی ایران، در منتشر شده است.